

# کیفیت تقریر و تحریر

## کتاب مفاوضات

شاهپور راسخ

هنگام بازدید بیت عبداللہ پاشا در عکا، زائران ار ض اقدس موفق به دیدار اطاق کوچکی می‌شوند که نهارخوری حضرت عبدالبهاء بوده، و چنان که خواهد آمد مجموعه مفاوضات مبارکه در پاسخ سؤالات خانم کلیفورد بارنی در آن اطاق بر سر میز غذا تقریر و هم تحریر شده است.

ذکر این نکته ضرور است که دیدار خانم بارنی از حضرت عبدالبهاء و صدور کتاب مفاوضات و دیگر وقایع مهمی که در فاصله سال‌های ۱۹۰۱ و ۱۹۰۸ روی داد در شرائط عادی آرامش صورت پذیرفته و چنان که تواریخ بهائی نوشته‌اند دو سال پس از معاودت اولین گروه زائران غرب، یعنی در سال ۱۹۰۱، تجدید مسجونیت و محدودیت حضرت عبدالبهاء آغاز شد و تا سال ۱۹۰۸ ادامه یافت، و این مسجونیت گاه شدید و اوقاتی نیز بالنسبه خفیف بود، و خصوصاً ناقض اکبر، یعنی میرزا محمدعلی، و اعوان و انصار او بودند که سوء ظن مقامات دولتی و رسمی را نسبت به آن حضرت جلب می‌کردند و ساختمان مقام اعلیٰ بر جبل کرمل و رفت و آمد احبای آمریکا و نظائر آن را بهانه‌ای برای القاء شبهه در ذهن اولیای امور می‌کردند. با تجدید سجن، ورود و خروج زائرین و حتی ارسال مکتوب دشوار شد. از همین رو، می‌توان به سهولت درک کرد که اسفار متعدد خانم بارنی و تشرّف او به حضور مبارک و طرح سؤالات در آن اوضاع آشفته امری سهل و ساده نبوده است.

سالها بعد در مکتوبی حضرت عبدالبهاء خطاب به مسیس بارنی دریفوس می‌فرمایند: "مشقاتی که در ایام حبس عبدالبهاء کشیدی و تحمّل زحماتی که نمودی پیش نظر است، ابداً فراموش نمی‌شود، زیرا این زحمات در وقتی بود که نهایت صدمات بود و در وقت نهایت شدت سجن."

از غرائب امور آن که بعضی از مهمّترین اقدامات حضرت عبدالبهاء در همان سنوات شداد انجام پذیرفته، از تحریر مخفیانه الواح وصایا، که بعداً منشور نظم اداری حضرت بهاءالله خوانده شد، تا تقریر حضوری مفاوضات مبارکه، که بیان روشنی از موضع اهل بهاء در برابر اعظم مسائل فلسفی و کلامی و نیز تفسیر درستی از متشابهات کتب مقدّسه و اشارات و بشارات آنها در باره ظهور آخرالزمان است، از ساختمان بخش مهمّی از مقام اعلیٰ و استقرار عرش مطهر حضرت ربّ اعلیٰ در کوه کرمل گرفته تا راهنمایی احبّاء عشق‌آباد به احداث اوّلین مشرق‌الاذکار بهائی در عالم و نیز تصویب پیشنهاد محفل روحانی شیکاگو به ایجاد اوّل بنای مشرق‌الاذکار در آمریکای شمالی. و این جمله مؤید همان مطلبی است که حضرت ولی امرالله در توفیق قرن بدیع به احبّای غرب تشریح فرموده‌اند که در تاریخ امر همیشه بحران و پیروزی توأم و همدم بوده و خواهند بود.

دکتر یونس خان افروخته در کتاب «خاطرات ۹ ساله» خود زیر عنوان "میس بارنی و کتاب مفاوضات" شرحی در باره کیفیت تقریر و تحریر کتاب مفاوضات نوشته (طبع جدید، صص ۲۲۹-۲۳۹) که عمده آن چنین است:

"میس بارنی در زمان تشرف این عبد ۳ مرتبه برای کسب فیض مشرف شده، دفعه اخیر امةالله میس روزنبرگ، اهل لندن، را به عنوان منشی و کاتب همراه آورد، و تقریباً مدت یک سال توقّف نمود و در بحر اعظم معارف خوض نمود و لثالی گران بها به چنگ آورد ... از فرط اشتیاق که برای درک حقائق و معانی داشت زندگانی مدینه مطموره عکا و بیت محقر سجن محبوب امکان را به جمیع قصور عالیّه ممالک غرب ترجیح می‌داد. با داشتن ثروت و استطاعت و مال و منال در عنفوان جوانی به این ترتیب زندگانی علاقه‌ای مفرط داشت و اوقات خود را در خدمت ورقات مقدّسه می‌گذرانید و برای تمرین زبان انگلیسی ایشان مساعدت

می نمود و در بحبوحه انقلابات عکاً در حال انزوا و اعتکاف با کمال روح و ریحان به جمع‌آوری آثار مبارک اشتغال داشت ...

"در هنگام توقف یک‌ساله خود، نه تنها شخصاً بر حقائق و رموز امری آگاه شد، بلکه وسیله انتشار فیض الهی در بین خلق گردید. یک کتاب بسیار مهمی از بیانات مبارکه به یادگار گذاشت و این فلسفه‌دیانتی متین را به لسان فارسی و انگلیسی تحت عنوان «مفاوضات عبدالبهاء» تدوین نمود."

در مورد ترتیب جمع‌آوری مطالب این کتاب، دکتر یونس خان شرح زیر را می‌نویسد:

"این خانم، مانند سایر دوستان غربی، در سر سفره درک فیوضات می‌نمود، و به قراری که در فصول عدیده این کتاب از کثرت مشاغل مبارک اشاره شد، تنها وقتی که برای جواب سؤالات این خانم مقرر بود همانا در سر میز بود، آن هم فقط در هنگام نهار، یعنی ساعت یک بعد از ظهر، زیرا هیکل مبارک در شبانه روز یک وعده بیشتر غذا میل نمی‌فرمودند، و در ایام صیام ناهار روز به افطار شب مبدل می‌گشت ... در هر حال خاطر مبارک از این زحمت به هیچ وجه آزرده نبود و از این خستگی اظهار ملالت نمی‌فرمودند. مخصوصاً یک روز که از سر سفره برخاستند، مختصراً اظهار خستگی نموده، سپس به این عبارت اظهار مسرت فرمودند: «باز خوب است که الحمدلله بعد از این همه زحمت، مطلب را خوب می‌فهمد و رفع خستگی می‌شود.»"

جناب دکتر افروخته ترتیب جلوس بر سر سفره را به این ترتیب تشریح کرده‌اند:

"هیکل مبارک در رأس میز و در طرف دست چپ میس بارنی و زبردست ایشان میس روزنبرگ، سپس یک عدّه ۸ یا ۹ نفر دیگر از مسافین یا مجاورین حاضر بودند، و این عبد عموماً در زبردست مبارک روبروی میس بارنی می‌نشستم، سؤالات ایشان را از انگلیسی به فارسی ترجمه نموده، جواب مبارک را مجدداً به انگلیسی ترجمه و ابلاغ می‌کردم و امه‌الله روزنبرگ سؤال و جواب هر دو را به سرعت می‌نوشت ...

"باری چند ماهی صحبت‌های سفره به این ترتیب جاری بود تا این که اهل بیت مبارک و منتسبین این بیانات را شنیدند و به این نکته برخوردند که اگر میس

بارنی در بحر اعظم الهی غوص ننموده بود این لثالی گران بها در قعر این دریا تا ابد بی ثمر می ماند... پس حالا که این لثالی مکنونه مکشوف گردید خوب است عین الفاظ مبارک هم به زبان فارسی در اوراق و صفحات روزگار باقی و برقرار بماند. لهنذا، از حضور مبارک تمنی نمودند یک نفر نویسنده در محضر انور حضور یابد و عین کلمات گوهر بار را دانه دانه برچیند و در سلک درّ شاهوار درآورد. الحمدلله این مسئول به اجابت مقرون و جناب میرزا منیر ابن مرحوم میرزا محمدقلی به این سمت مأمور گردید و همه روزه در جوار مبارک نشست و کلمات را به رشته تحریر درآورد. اما این ترتیب تحریر هم برای هیکل مبارک خالی از زحمت نبود، زیرا تصحیح و تنظیم آن باز به عهده مبارک بود، و هم چنین جمع آوری بیانات گذشته از روی ترجمه انگلیسی و تنظیم آن بسیار طولانی شد و میس بارنی زحمت بسیار تحمل نمود. خلاصه آن که وقتی که دو ثلث کتاب نوشته شد، مسافرت اروپای این عبد پیش آمد،<sup>۱</sup> و خدمت ترجمه به عهده صبا یای مبارکه محوّل گردید، و ضمناً امة البهاء [میس لورا بارنی] به واسطه کثرت ممارست و تمرین و مطالعه کلمات الهی در زبان فارسی تسلط یافت و این خدمت را در عالم امر به خوبی انجام داد و این یادگار فنا ناپذیر را از خود باقی گذاشت. ناگفته نباید نهاد که خود حضرت عبدالبهاء هم از ابتدا مشوق میس بارنی در آموختن زبان فارسی بوده اند، چنان که در مکتوبی خطاب به وی هنگامی که در پاریس بوده چنین فرموده اند: "خلاصه تعلّم لسان پارسی را اکمال نما و شب و روز بخوان و بنویس تا مهارت تامّه حاصل نمائی."

در مورد مفاوضات مبارکه ۳ مکتوب از حضرت عبدالبهاء در جلد پنجم «منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء» درج شده که نظر به اهمّیت آنها در فهم کیفیت تدوین و بعد نشر آن کتاب و ارزش آن به نقل هر سه مبادرت می شود. در شماره ۱۰۰ این منتخبات، جواب نفسی را مرحمت می فرمایند که «یک نسخه از مکالمات سر سفره» را خواسته بوده:

"میس بارنی میدانی که راضی نمی شود. می خواهد جمع نماید و ترجمه کند. آن وقت نشر شود."

در شماره ۱۰۱، که بنا به تشخیص دکتر وحید رأفتی مخاطبش میس بارنی است، چنین مذکور است:

"ای امةالبهاء، از قرار معلوم رسائل مطبوع شد. قدر این الطاف را بدان و به آنچه لازمه این عنایت است قیام نما. زیرا این رسائل من بعد رنه‌ای در آفاق اندازد که جهانیان حیران مانند. قدر بدان، قدر بدان، تا در عالم وجود تأثیر نماید."

در شماره ۱۰۲، که پیداست بعد از انتشار نسخه فرانسوی مفاوضات (۱۹۰۹) صادر شده، چنین مرقوم داشته‌اند:

"اما رساله «مفاوضات عبدالبهاء»، به مستر دریفوس مرقوم نمائید که نسخه انگلیسی و فرنکساوی آن را به ایران بفرستند، بسیار خوب و موافق است، بلکه لازم، و مقدار کلی بفرستند. اما نسخه فارسی، حال موافق حکمت نیست، بعد ارسال می‌شود."<sup>۲</sup>

حضرت عبدالبهاء در بیش از یک مکتوب امتیازی را که با تدوین کتاب مفاوضات شامل حال خانم بارنی شده به او یادآور شده‌اند.

در لوحی که در مکاتیب جلد سوم، ص ۳۱۶، مندرج است به میس بارنی می‌فرمایند: "همیشه منتظر خبرهای خوش شما هستم که کتاب مفاوضات در دست گیرید و به این دلیل و برهان، شور و شغف و اشتعال بین احباء و اماء رحمن اندازید، چه که تو به این اختصاص یافته‌ای."

بیت العدل اعظم در پیامی که به مناسبت صعود امة ممتاز لورا دریفوس بارنی مرقوم داشته‌اند و در جلد ۱۶ «عالم بهائی» آمده (ص ۵۳۵) در باره ایشان می‌نویسند: "وی توانست شهرتی جاویدان بر اثر تدوین کتاب مفاوضات، که اثری است منحصر به فرد در سراسر تاریخ ادیان احراز کند." (ترجمه)

جناب یوگو جیاگری، ایادی امرالله در رثای او مقاله‌ای نوشته‌اند (همان مجلد «عالم بهائی») و ضمن آن متذکر می‌شوند که بانوی نام‌برده از طریق خانم می بولز (ماکسول) در پاریس در حدود سال ۱۹۰۰ با ظهور دیانت بهائی آشنا شد. برخورد وی با دیانت حضرت بهاء‌الله عملاً جرقه‌ای بود که آتشی خاموش‌نشده در وجود او برافروخت. آرمان‌ها و آرزوهای او در فعالیت‌های او برای خدمت

امر بهائی جامه تحقّ پوشید ... چون سفرهای او به ارض مقصود تکرّر یافت، او از این مزیت برخوردار شد که توانست اوقاتی طولانی در محضر حضرت مولی‌الوری و خانواده نزدیک آن حضرت بگذراند ... در میان خدمات و اقدامات متعدّد او در سبیل امرالله، آن که از همه برجسته‌تر بود و نام او را در سراسر عالم ابدی کرد همان تنظیم و تدوین کتاب مفاوضات بود که در تمام ادبیات دینی منحصر به فرد است و عبارت است از سخنانی بر سر سفره که در آن حضرت عبدالبهاء جواب سوالات لورا بارنی را مرحمت فرموده‌اند. این مذاکرات غیررسمی در مدّتی بین سالهای ۱۹۰۴ و ۱۹۰۶ صورت گرفت، در حالی که به فرموده حضرت عبدالبهاء ایشان اوقات خستگی خود را به لورا می‌دادند. این مجموعه را حضرت ولی امرالله محصول یکی از آشفته‌ترین و دشوارترین ادوار حیات خدمتی حضرت عبدالبهاء محسوب فرموده‌اند، چه هنوز هیکل مبارک در محوطه قلعه عکا به عنوان زندان حکومت عثمانی گرفتار بودند و فقط حق پذیرفتن عده قلیلی از بازدیدکنندگان را داشتند. (ترجمه)

جناب بالیوزی در کتابی که به حیات حضرت عبدالبهاء اختصاص داده‌اند سفر سال ۱۹۰۴ را سفر سوم لورا بارنی به عکا می‌دانند و در مورد اتل روزنبرگ (۱۸۵۸-۱۹۳۰) که ایشان را در این سفر همراهی کرد می‌نویسند که وی از بهائیان برجسته انگلستان بود و خود صاحب تحریراتی در امر مبارک بود و به لورا بارنی در تهیه مجموعه مفاوضات مبارکه یاری کرد و به لیدی بلامفیلد نیز در تنظیم و نشر خطابات مبارکه در پاریس کمک نمود. (ترجمه)

در مورد نسخه فارسی باید متذکّر شد که حضرت عبدالبهاء خود به قلم و خط مبارک آن نسخه را در موارد لازم تصحیح فرموده‌اند و به همین جهت می‌توان گفت که کتاب مذکور از اعتبار و سندیت کافی برخوردار است.<sup>۳</sup> اما در باره ترتیب و ترکیب فصول این کتاب مستطاب توضیحی مختصر مفید است.

مفاوضات مبارکه در هر فصل، چنان که انتظار می‌رود، با سؤال خانم بارنی آغاز می‌شود و پاسخ حضرت عبدالبهاء به دنبال آن می‌آید. در مواردی هم حضرت عبدالبهاء اشاره به گفتگوی قبلی می‌فرمایند، مثلاً در مبحث بقای روح درس اول

و درس دومی هست. پاسخ‌ها کوتاه و بلند است. بعضی پاسخ‌ها به یک دو صفحه محدود می‌شود (چون فصول ۶۶ و ۶۸ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶)، اما تفسیر کتب مقدّسه گاه در شمار مفصل‌ترین فصول هستند (فصل‌های ۱۰ و ۱۱). در حدّ وسط پاسخ بعضی مسائل فلسفی چون وحدت وجود (۵ صفحه) و مسأله تناسخ (۶ صفحه) قرار گرفته‌اند. بعضی مطالب در فصول مختلف تکرار یا مضافاً تشریح می‌شوند، که ضرورت یک فهرست موضوعی (اندکس) را برای کتاب مطرح می‌کند.<sup>۴</sup> مثلاً بحث‌المعرفه که از اهمّ مباحث کتاب است به فصل ۸۳ (موازین ادراک) محدود نمی‌شود، فصول ۵۸-۵۹ (در مورد ادراکات انسان) و فصل ۳۷ (شناخت انحصاری الوهیت به توسط مظاهر الهیه) را هم در بر می‌گیرد و حتی فصول ۵۱-۵۲ در مورد رابطه روح و عقل هم به همان موضوع مربوط می‌شود. با توجه به آنکه کتاب شامل ۸۴ عنوان یا فصل است، می‌توان گفت که تقریرات هیکل اقدس حدّ اقل سه ماه طول کشیده است، اما با توجه به ضرورت تکرار بعضی مطالب، چنان که در مقدمه خانم بارنی آمده و نیز امکان فاصله‌افتادن بین جلسات نهار، شاید دو سه برابر آن مدّت یا حتی بیشتر در فاصله سال‌های ۱۹۰۴ و ۱۹۰۶ برای تکمیل کتاب وقت لازم بوده است.

می‌دانیم که در مورد عنوان کتاب، «مفاوضات»، حضرت عبدالبهاء موافقت فرموده و آن عنوان را در مکاتیب متعدّد تکرار کرده‌اند. کلمات «رساله» یا «رسائل» هم در باره مفاوضات به کار رفته، اما در نسخه انگلیسی عنوان کتاب «بعضی سؤالات پاسخ داده شده» (Some Answered Questions) آمده است، که کمال تواضع حضرت عبدالبهاء را نشان می‌دهد. هیپولیت دریفوس، با درکی که از مقام مبارک آن حضرت داشت، عنوان فرانسوی را «درس‌های سن ژان د اکر» (Les Leçons de Saint Jean d'Acre) یا درس‌های قلعه عکا گذاشت، که اقلّاً مرتبه والای حضرت عبدالبهاء را به عنوان مدرّس مشخص می‌کند.

در عنوان فارسی کتاب که در ۱۳۲۹ ه.ق. در قاهره چاپ شده (۱۹۲۰) «النور الابهی فی مفاوضات عبدالبهاء، گفتگو بر سر نهار» که به اهتمام کلیفورد بارنی

آمریکائی جمع‌آوری و نشر گردیده، آمده است (نشر اول در ۱۹۰۸ بوده. نشر فرج‌الله ذکر الکردی طبع ثانی است).

«النور الابهی» معرّف آن است که نور حضرت بهاء‌الله هادی حضرت عبدالبهاء در مفاوضات ایشان بوده. عبارت «الله نور السموات و الارض» در قرآن می‌تواند اشاره به جمال ابهی باشد، که از معانی «بهاء» نور است و حضرت عبدالبهاء در نور ابهی به مفاوضه با خانم آمریکائی پرداخته‌اند، یعنی در پرتو تعالیم حضرت بهاء‌الله یا با الهام‌گرفتن از آن حضرت.

مفاوضه بدین معانی است: الف) با یکدیگر سخن گفتن، گفتگو؛ ب) مباحثه علمی و ادبی و مانند آن؛ پ) مذاکره تا حصول توافق در موضوعی؛ که در مورد این رسائل معنای دوم مرجح است.

نسخه‌ای که مورد مراجعه این جانب است در قاهره به سال ۱۳۲۹ ه.ق. (۱۹۲۰ م) چاپ شده و به عنوان طبع ثانی معرفی گردیده است، حاوی ۲۱۹ صفحه به قطع رقعی.

خانم کلیفورد بارنی (آمریکائی) به عنوان ناشر مقدمه‌ای بر کتاب نوشته که مورّخ ۱۶ ژانویه ۱۹۰۸، یا ۱۱ ذی‌الحجه ۱۳۲۵ ه.ق. در پاریس است و چند مطلب مهم را افاده می‌کند:

۱- حضرت عبدالبهاء «با وجود مشاغل دائمه یومیه که آنی از آن راحت نبودند جواب سؤالات او را درخور فهم این کمیته بیان فرمودند.»

۲- «چون این کمیته را از معرفت زبان پارسی نصیب وافی نبود و از خوض در عباب مسائل معضله الهیه حظی کافی نه حضرت عبدالبهاء روحی له الفداء غالب اوقات مجبور شده‌اند که عین یک مطلب را در مواضع متعدده تکرار نمایند و همان استعارات و تشبیهات را که در یک موضوع معین به کار برده‌اند ... عبارات خود را در کمال بساطت و سادگی بیان نمایند.»

۳- «چنان به خاطر وی [این کمیته] رسید که سایر تشنگان زلال معرفت را نیز از این آب حیات جاودانی بی‌بهره نگذارد و کلّ نفوس را از احباب و اغیار ... از مندرجات حقایق آیات آن منبع فیض سرمدی مستفیض گرداند ...»



«پس از تحصیل اجازه به ترتیب و نظم آن فصول مشغول گردید و آن بیانات را که مانند لئالی منشور بی نظام در گوشه‌ای افتاده بود در سلک نظم و ترتیبی که به نظر قاصر او مناسب‌تر و لایق‌تر می‌نمود منخرط گردانید و به طبع و نشر آن اقدام نمود و ارباب فضل و معرفت را گنجی شایگان به رایگان ارمغان آورد.»

کتاب در ۵ قسمت آورده شده:

- ۱- تأثیر انبیاء در ترقی و تربیت نوع انسانی؛
  - ۲- بعضی مقالات متعلق به مسائل مذهب عیسوی؛
  - ۳- مقالات در علامات و کمالات مظاهر الهیه؛
  - ۴- مقالات در مبدأ و معاد و قوی و حالات و کمالات مختلفه انسان؛
  - ۵- مقالات در مواضع مختلفه.
- به نظر می‌رسد که اگر روزی تجدید نظری در این تقسیم‌بندی شود به‌جا خواهد بود به این ترتیب:

- ۱- مسائل مربوط به الوهیت و عالم هستی؛
- ۲- علامات و کمالات مظاهر الهیه؛
- ۳- تأثیر انبیاء و رُسل در پیشرفت تمدن؛
- ۴- انسان و مبدأ و سرنوشت او؛
- ۵- حلّ متشابهات کتب یهود و مسیحی (شامل فصول ۱۱-۱۴)؛
- ۶- مسائل متفرقه.

بعضی فصول قسمت پنجم می‌تواند به همان قسمت اول، یعنی خدا و عالم هستی، منتقل گردد.

مقایسه طبع نخست با طبع ثانی به مورد خواهد بود، زیرا به گفته ناشر طبع ثانی مقداری «تحسین و تصحیح» نسبت به طبع اولین اعمال کرده. بعید نیست که برخی مطالب، چون مسأله اعتصاب (فصل ۷۸) که در طی زمان اهمیت پیدا کرده بود، به طبع ثانی افزوده شده است.

## چرا مفاوضات در تاریخ ادیان منحصر به فرد است؟

به گمان این بنده یکتائی این اثر یکی از این بابت است که طلعات مقدسه در ظهورات قبل، خود مستقیماً وارد بحث در موضوعات فلسفی نشده‌اند، هرچند که سرچشمه همه مباحث فلسفی-کلامی در ادیان در قرون بعد از ظهور همان کُتب مقدسه بوده است. اما مفاوضات در همان عصر نخستین ظهور، یعنی عصر رسولی، اهم مطالب فلسفی-کلامی چون اثبات وجود خدا، نقش وساطت مظاهر الهی، تأثیر انبیاء در تمدن انسانی، مبدأ و مرتبت انسان، اثبات روح و عوالم روحانی، واقعیت عالم هستی، طُرُق تحصیل معرفت، و بسا مسائل دیگر را مطرح کرده و به روشن‌ترین و منطقی‌ترین وجه تحلیل و تشریح فرموده است. ثانیاً این کتاب تأکیدی استثنائی بر روی اهمیّت عقل و ارزش استدلال عقلی می‌کند و حتی تفسیر متشابهات و رموز به ظاهر شگفت و دشوارباور کُتب مقدسه به روش عقلی صورت گرفته است.

ثالثاً هرگاه به کُتب مقدسه نظر شود، سؤالات پیروان ادیان غالباً در باره مسائل فقهی و به ندرت در باب امور عقلی و فکری بوده و از این بابت هم مفاوضات مبارکه ممتاز است و نشانه آن است که دنیا وارد مرحله جدیدی از تطوّر تاریخی خویش، یعنی عصر عقل و علم، شده است.

## خاتمه در مورد انگیزه خانم بارنی

این مطلب درخور پژوهش است که داعیه خانم بارنی از طرح سؤالات فلسفی-کلامی-مذهبی بر حضرت مولی‌الوری چه بوده، و در حالی که خانم مذکور در یک محیط هنری-ادبی پرورش یافته بود، چه شد که به این گونه مباحث عقلی و انتزاعی توجه حاصل کرد؟ یک پاسخ احتمالی این سؤال را نگارنده در کتاب «شرح حال علیقلی خان»، که به قلم دختر ایشان، خانم مرضیه گیل، زیر عنوان *Summon up Remembrance* نشر شده، یافته است. کتاب حاوی شرحی بسیار خواندنی در باره ملاقات خان با خانم ناتالی، خواهر لورا، و خود لورا است، که در کتاب به نام السا نامیده شده، و شامل این مطلب است که وقتی میرزا ابوالفضل گلپایگانی در راه آمریکا در پاریس مقرّ داشته (در حدود سه ماه) السا،

یعنی همین خانم لورا کلیفورد بارنی، به کلاس درس ایشان می‌رفته است (ص ۱۵۲).

علی‌هذا بعید نیست که در همان سال ۱۹۰۱ و احتمالاً در سال‌های بعد در تماس با جناب گلپایگانی که تا سال ۱۹۰۴ در آمریکا بسر بردند، و حتی خانم بارنی متکفل مخارج ایشان بودند، تماس با آن دانشمند بزرگ شرق، زمینه فکری خانم بارنی را برای طرح سؤالاتی چنین مهم در فلسفه و کلام آماده و مساعد کرده باشد. انشاءالله در این مورد اتوبیوگرافی خانم لورا کلیفورد بارنی، که در آرشیوها محفوظ است، گویا و راه‌گشا خواهد بود.

زندگی‌نامه خانم لورا کلیفورد بارنی در نفوس این شبهه را باقی نمی‌گذارد که خانم نام‌برده ذهنی خلاق داشته و در همه عمر از برکت این خلاقیت مصدر ابتکارات و خدمات بسیار ارزشمند شده است، که البته تدوین کتاب مفاوضات را مهم‌ترین آنها می‌توان دانست.

### یادداشت‌ها

- ۱- چنان که خود در ص ۲۳۵ آورده‌اند «پس از چهار سال اقامت در عکا»، که مقارن سال ۱۹۰۴ میلادی می‌شود.
- ۲- علت این احتیاط را در آن زمان اینک نمی‌توان حدس زد، خصوصاً که به تجویز هیکل اقدس نسخ فارسی برای عشق آباد ارسال شده بود. عین بیان مبارک خطاب به امة‌البهاء چنین است: «کتاب مفاوضات فارسی به عشق‌آباد یک صندوق ارسال نموده بودید. چون زیاد بود، حکومت روسیه ضبط کرد و نداد. ولی شما با پوسته دو جلد، یک جلد به اسم کمپانی امید به تدریج بفرستید، اما فارسی باشد، چون طالبان دارد.»
- ۳- حضرت عبدالبهاء سه اثر مهم دارند که بر بیانات شفاهی آن حضرت مبتنی است: الف) مفاوضات مبارکه، ب) خطابات مبارکه، و پ) تذکرةالوفا؛ که خوش‌بختانه هر سه به نحوی به تصحیح و تصویب مبارک رسیده است.

۴- ترجمه انگلیسی کتاب واجد اندکس است، و نیز در چاپ کتاب به فارسی توسط مؤسسه چاپ و انتشارات مرآت (هندوستان، اپریل ۱۹۸۳)، اندکس مفصلی بر آن افزود شده است.